

کارکردهای تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه

سیده راضیه یاسینی*

چکیده

در این مقاله ضمن اشاره به نگرش آیینی به جامعه و فرهنگ، مفهوم آیین و بانزده ویژگی مهم آن، تبیین شده و مبنایی برای بحث در خصوص آیین‌های گوناگون زورخانه‌ای ارائه شده است. همچنین با معرفی زورخانه و پیشینه آن، برخی کارکردهای تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه‌ای به مثابه مکانی فراورشی و تربیتی، تشریح شده است.

پرسش‌های مقاله عبارتند از: کارکردهای آیینی و فرهنگی زورخانه‌ها کدامند؟ زورخانه‌ها در تربیت افراد چه جایگاهی دارند و نقش آنها در تقویت و توسعه تربیت فرهنگی جامعه ایران چیست؟ همچنین آیا در شکل ظاهری بخش‌های گوناگون زورخانه، حرکات و اعمال حاضران و نیز در تأسی به امور قدسی و اذکار و دعاها، به وجوه تربیتی این موارد توجه شده است؟ عناصر زیباشناختی آیین‌های زورخانه‌ای، از جمله لباس‌های متحدالشکل، موسیقی و ریتم حرکات ورزشی و... چه نقشی در حوزه تربیت ایفا می‌کنند؟

در بررسی آیین‌های مرسوم ورزش زورخانه، رویکردی توصیفی و مردم‌نگارانه در تحلیل موضوع به کار رفته و مفروض اساسی آن، اثربخش بودن آیین‌های زورخانه‌ای در تربیت شرکت‌کنندگان در این آیین است. در پایان، این نتیجه گرفته شد که اجرای آیین‌های زورخانه، این محل را از یک مکان صرفاً ورزشی فراتر برده و کارکردهای فرهنگی و تربیتی مؤثری به آن بخشیده است.

واژه‌های کلیدی: آیین، تربیت، زورخانه و فرهنگ

مقدمه

با شتاب یافتن تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، دغدغه‌های تربیتی گوناگونی در جامعه ایران، طرح شده است؛ زیرا برون‌دادهای این تحولات، گاه تعارض شدیدی با فرهنگ اسلامی دارند. در این میان، به نظر می‌رسد چنانچه با اتکا به سرمایه‌های فرهنگی بومی، بتوان از آنها در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی جامعه بهره گرفت، تحولات یاد شده، در تماس با زیرساخت تربیتی مهیا شده، آسیب‌چندانی نخواهد داشت. یکی از قابلیت‌ها در این زمینه، بهره‌گیری از زورخانه‌ها در جهت تربیت نسل جدید است. گاه در این زمینه، خبرگان رسانه‌ای و فرهنگی غرب، به اهمیت این موضوع بیش از خود ایرانیان واقفند؛ زیرا در برخی مستندهای تلویزیونی غرب به زورخانه و اهمیت آن در فرهنگ شیعی پرداخته شده است. برای نمونه، در مستند «روزی روزگاری ایران»^۱ ساخته «کوین سیم»^۲ که از شبکه ۴ تلویزیون انگلیس پخش شده است، همچون بسیاری از مستندهای دیگر، زورخانه، مکانی خطرناک معرفی می‌شود، چون به عبارت راوی فیلم: «فداییان حسین در زورخانه پرورش پیدا می‌کنند». از این‌رو، ضروری است درباره موضوع زورخانه و نوع تربیت در زورخانه براساس آیین‌های اصیل فرهنگی آن، مذاقه شود.

تربیت فرهنگی

برای بازشناسی کارکرد تربیتی-فرهنگی آیین‌های زورخانه، تبیین مفاهیم تربیت و فرهنگ ضروری است. تربیت، در لغت به معنی پروراندن و آموختن است (دهخدا). تربیت که موضوع اصلی رسالت پیامبران الهی است (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱)، پرورش توانمندی‌های درونی و بالقوه هر انسان برای به فعلیت رساندن آنها را مد نظر قرار می‌دهد. به عبارتی «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد، برسد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴).

تربیت، مفهومی عام است که متناسب با منظر فکری انسان و بر مبنای اعتقادات و باورهای هستی‌شناسانه وی معنا می‌یابد، اما به طور کلی، دگرگونی حاصل از تربیت در انسان، موجد کمالی خواهد بود که سبب تعالی انسان می‌شود. تربیت از نظر افلاطون عبارت است از: رساندن جسم و روح به بالاترین پایه کمال و جمال و اسپنسر نیز مقصود از تربیت را مهیا کردن انسان برای زندگی کامل برمی‌شمارد (قرایی مقدم، ۱۳۷۵، ص ۱۴).

فرهنگ نیز در لغت، مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم است (معین).

1. Once Upon a Time in Iran

2. Kevin Sim

از دیدگاه اندیشمندان غربی، تعاریف بسیاری برای فرهنگ وجود دارد، اما نخستین تعریف در این باره را می‌توان متعلق به ادوارد تیلور^۱ (۱۶۴۵-۱۷۲۹م) دانست. وی در سال ۱۸۷۰ واژه فرهنگ^۲ را در کتاب فرهنگ‌های ابتدایی به کار برد و آن را مترادف با تمدن دانست (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

برخی از اندیشمندان اسلامی، فرهنگ را به معنایی عام به کار برده‌اند که شامل علوم عقلی (مانند ریاضیات و منطق)، علوم تجربی و علوم نقلی است. ارکان آن عبارت است از: فلسفه، عرفان، دین، هنر، ادبیات، کلام، اخلاق، فقه، نظام‌های ارزشی حقوقی، اخلاقی و دینی، زیباشناختی، عرف و عادات و آداب و رسوم. در یک تعریف کلی می‌توان گفت: «فرهنگ دینی عبارت است از: عقاید، باورها، الگوها، روش و شیوه‌های عمل جامعه‌ای که به یکی از شریعت‌های الهی ایمان دارد و در اعتقادات و اعمال از پیامبر خدا پیروی و اطاعت می‌کند». بر این اساس فرهنگ اسلامی عبارت است از: «مجموعه عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها، روش و شیوه‌های عمل متخذ از قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم‌السلام)» (دایرةالمعارف اسلامی طهور).

تعاریف گوناگونی که درباره فرهنگ وجود دارد، نشانگر آن است که فرهنگ هر جامعه به شدت در گرو نوع تربیت آحاد آن است. این تربیت ممکن است از راه‌های گوناگونی به جز نظام خانواده یا نظام آموزشی رسمی انجام شود. برای نمونه، آیین‌های اجتماعی و رسوم گوناگون اجتماعی، به مثابه شیوه‌هایی از زندگی، در زمره مؤلفه‌هایی هستند که در تطور و شکل‌گیری فرهنگ یک جامعه تأثیرگذارند. این آیین‌ها که هر کدام بنا به مقصودی تعریف و اجرا می‌شوند، متضمن آموزه‌هایی تربیتی نیز هستند و از این رو، می‌توان کارکرد آنها را کارکردی فرهنگی نیز دانست.

نگرش آیینی به جامعه و فرهنگ

شاید آرای دورکیم،^۳ از نخستین تفکرات درباره نگرش آیینی به جامعه و فرهنگ باشد. از دیدگاه او، جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین یکی از مهم‌ترین آنهاست. مفهوم آیین، افزون بر آرای دورکیم و ساختارگرایان در آثار مردم‌شناسان کلاسیک مانند رادکلیف براون،^۴ کاسپر مالینوفسکی،^۵ میرچا الیاده^۶ و ویکتور ترنر^۷ به کار گرفته شده است.

سیستماتیک‌ترین نظریه پرداز آیین، روی راپاپورت^۸ (۱۹۹۹، ص ۲۴)، آیین را این‌گونه تعریف کرده است: اجرای زنجیره‌ای از کنش‌ها و عبارات کمابیش همگون که به‌طور کامل به‌وسیله

1. Edward Taylor

3. Émile Durkheim

5. Bronisław Kasper Malinowski

7. Victor Turner

2. Culture

4. Alfred Reginald Radcliffe-Brown

6. Mircea Eliade

8. Roy Rappaport

اجراکنندگان رمزگذاری شده‌اند. در آیین، معانی گسترده‌تری وضع و اجرا می‌شوند که ضرورتاً مورد نظر اجراکنندگان آیین نبوده‌اند (کلودری، ۲۰۰۳^۱، ص ۲۳).

معمولاً برای فهم اینکه آیین چیست، تصور می‌شود که لازم است معانی مختلف نمادها و واژگان مورد استفاده در آن آیین را بفهمیم، اما به نظر می‌رسد لازم است جنبه‌هایی از آیین را بفهمیم که به لحاظ معنایی قابل درک نیستند. برای نمونه، عباراتی که در آیین‌ها استفاده می‌شوند نوعاً مستلزم تکرار زیادی هستند و به شکل شعر، نغمه و سرود سازماندهی می‌شوند (چو، ۲۰۰۱^۲، ص ۲۸). رودنبولر،^۳ پانزده ویژگی را برای آیین برشمرده است، از جمله اینکه آیین، آیین، تنها شکل یا فرایندی از تفکر نیست، بلکه شکلی از کنش به شمار می‌آید؛ آیین در برابر کسی اجرا می‌شود؛ آگاهانه و داوطلبانه بودن؛ غیربزاری بودن؛ غیرتفریحی بودن؛ جمعی، اجتماعی بودن؛ بیانگر روابط اجتماعی بودن؛ شرطی بودن؛ برخوردار از نمادهای تأثیرگذار؛ برخوردار از نمادهای مترکم؛ و توجه به امر قدسی در آیین (ر.ک: رودنبولر، ۱۳۸۷).

نکته مهم در مورد آیین، این است که اجراکنندگان آیین، در ارتباطات آیینی خود بیش از آنکه به دنبال انتقال اطلاعات به یکدیگر باشند، اهداف اجتماعی دیگری را دنبال می‌کنند. در این باره، استنلی تامبیاه^۴ می‌گوید: در آیین‌ها نظریه اطلاعات به طور مستقیم قابل به کارگیری نیست چون آیین‌ها بیشتر به دنبال هماهنگی فردی و انسجام و پیوستگی اجتماعی هستند تا انتقال اطلاعات (تامبیاه، ۱۹۸۵، ص ۱۳۸). آیین‌هایی که در زورخانه اجرا می‌شوند، به جهت غنای فرهنگی از همه ویژگی‌های یاد شده برخوردارند.

زورخانه، اجتماع آیینی تربیت و تعالی روح و جسم

در فرهنگ ایرانی از دیرباز، سلامت روح در گرو تندرستی جسم شمرده شده است. ایرانیان زرتشتی بر این باور بودند که سعادت روحانی ایشان در نتیجه برخورداری از جسمی سالم و قوی میسر خواهد بود (دوستخواه، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱).

مورخان غربی نیز به اهمیت پرورش جسم پارسیان در کنار تقویت روحانی ایشان اذعان نموده‌اند. از میان انواع ورزش‌هایی که ایرانیان از دیرباز به آنها همت می‌گماردند می‌توان به کشتی، سوارکاری، تیراندازی، چوگان و شنا اشاره کرد که البته تربیت جسمی و پرورش اندام در کشتی جلوه‌گر بود که به نوعی مادر سایر ورزش‌ها محسوب می‌شد؛ افزون بر اینکه براساس داستان‌های

1. Cloudry

2. Chwe

3. Rothenbuhler

4. Stanley Tambiah

شاهنامه، در میادین نبرد نیز غالباً کار به کشتی میان پهلوانانی از دو لشکر ختم می‌شد و غلبه یک کشتی‌گیر بر دیگری نتیجه نبرد را معین می‌کرد.

در باره اتحاد و جوه معنوی و مادی در پرورش نفس و تن ایرانیان، منقول است که کشتی (کمر بستن = میان بستن)، از آداب دینی ایرانیان باستان بوده که در میان جوانمردان پس از اسلام نیز با آداب و اصولی دنبال شده است، آدابی که در سنت‌های اسلامی جوانمردان، با یاد کردن از خداوند و اولیای او و نیز سفارش به نیکی و بر حذر داشتن از بدی همراه می‌شود: «اگر پرسند کلماتی که در وقت میان بر بستن، استاد به شاگرد می‌خواند چیست؟ بگو دوازده. اول نوبت، استغفرالله؛ دوم، آنکه در نماز کاهلی نکنی؛ سوم، بخل و کبر و حسد و بدی بر برادران روا نداری؛ چهارم، در امانت خیانت نکنی؛ پنجم، انصاف بدهی؛ ششم، انصاف نستانی؛ هفتم، مرید باشی؛ هشتم، مراد دهی؛ نهم، کریم باشی؛ دهم، این طایفه را مکرم داری؛ یازدهم، این نفس‌ها را عزیز داری؛ دوازدهم، بر ناقابل نخوانی. پس استاد شد بر پای خیزد و فرزند را بر چپ خود نگاه دارد و هر دو روی به شیخ بایستند... پس دوازده امام یاد کند و به دست راست دست فرزند بگیرد، چنان‌که انگشت ابهام خود بر انگشت ابهام او بنهد. پس سه بار کلمه استغفار و کلمه شهادت بر او خواند و به تجدید او را از کبایر توبه دهد. پس دست چپ بر سر فرزند نهد و صفای نظر مجلس کند. پس فاتحه بخواند و تکبیر فرستد و پیران و مردان اهل شد و بیعت را یاد کند و علی حده پیر و استاد خود را ذکر به خیر کند. پس دست چپ از سر وی به کتف راست وی فرود آورد و صلوات فرستد بر رسول ﷺ و اهل بیت او... پس سوره اخلاص بخواند و پای راست پیش نهد. پس تکبیر بگوید و صلوات فرستد... پس شیخ برخیزد و دو رکعت نماز شد بگزارد و میان بستگان در عقب وی به وی اقتدا کنند» (واعظ کاشفی، ۱۳۴۸، ص ۲۴۸-۲۴۹).

همچنین «در آداب پهلوانان زورخانه‌ها آمده است که پهلوان باید دلیر، طاهر، سحرخیز و پاک نظر باشد و افزون بر ادای فرایض و سنن، شب‌زنده‌دار و دارای حسن اخلاق نیز باشد...» (بهار، ۱۳۷۳، ص ۱۵۸).

اگرچه ساختار زورخانه با طی زمان و به‌ویژه پس از ایمان آوردن ایرانیان به اسلام، دستخوش تطوراتی شده است، اما ارکان و آداب و آیین‌های آن همچنان باقی است؛ ارکانی که متأثر از آموزه‌های الهی پیشوایان اسلامی در پیوندی کامل با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری پهلوانان جوانمرد قرار دارند.

آیین فتوت و پهلوانی

از دیدگاه ایرانیان موحد، تقابل میان خیر و شر، تقابلی ازلی و ابدی است که بر مبنای آن، انسان نیکوصفت، موظف به همراهی نیکی و پرهیز از بدی است. پس از اسلام، خصلت‌های ضداهریمنی در میان ایرانیان باستان، به زیور معارف اسلامی نیز آراسته شد و در آیینی ظهور کرد که «آیین فتوت» نام داشت؛ آیینی که پیش از اسلام در رفتار و احوال «عیاران» و «شاطران» جلوه‌گر بود. پیروان آیین فتوت در همراهی خیر، به حقانیت امام اول شیعیان، حضرت علی (علیه السلام)، اعترافی مدام داشتند و بر ایشان و سلاله‌اش درود می‌فرستادند و در تقابل با شر، دشمنان ایشان را لعن و نفرین می‌کردند (سننی که امروزه نیز در زورخانه‌ها رایج است). بدین‌سان باورهای علویان و شاعران ائمه اطهار (علیهم السلام)، به شکل‌گیری بنیانی برای آیین فتوت تبدیل شد که مقتدای پیروان آن، امام علی (علیه السلام) بود. نهضت‌های علویان در خراسان و مازندران و گیلان، از سوی عیاران حمایت شد و به نتایج درخشانی چون اعلام استقلال ایران پس از نهضت یعقوب لیث صفار و سپس رسمیت یافتن مذهب تشیع توسط آل‌بویه منجر شد.

عیاران و جوانمردان، «فتیان» نیز نامیده می‌شدند که برآمده از پابندی کامل ایشان به اصول آیین فتوت بود. فتی را جوان و جوانمرد و نیز شاگرد (در مورد اطلاق فتی به یوشع بن‌نون، خلیفه و مصاحب حضرت موسی (علیه السلام) گفته و فتیه (در مورد اصحاب کهف) را نیز جوانمردان ترجمه کرده‌اند (واعظ کاشفی، ۱۳۴۸، ص ۵). از اینجاست که در وصف جوانمردی حضرت علی (علیه السلام) در جنگ احد، لفظ فتی به کار رفته و گفته‌اند: لافتی الا علی، آن‌چنان که در بخشش بزرگوارانه امام علی (علیه السلام) به یک سائل، پیامبر اکرم ایشان را با این عبارت ستودند (میبیدی، ۱۳۹۲، ص ۶۶۸-۶۶۹).

شاعران فارسی‌زبان نیز بر اقتدای جوانمردان بر مولای متقیان اشاره نموده‌اند:

جوانمرد اگر راست خواهی ولی است کرم پیشه شاه مردان علی است (سعدی)

از صفات جوانمردی در اشعار فارسی نیز سخن به میان آمده است:

جوانمردی و راستی پیشه کن همه نیکویی اندر اندیشه کن (فردوسی)

در متون منشور فارسی نیز به اصول جوانمردی چنین اشاره شده است: «اصل جوانمردی سه چیز است: یکی آنکه آنچه بگویی، بکنی؛ دوم آنکه راستی در قول و فعل نگاه‌داری؛ سوم آنکه شکیب را کاربندی؛ زیرا هر صفتی که تعلق دارد به جوانمردی در زیر این سه چیز است» (قابوس بن وشمگیر، ۱۳۳۵، ص ۲۲۲).

خصلت‌های برآمده از آیین فتوت و عقاید عیاران بود که مبنای آداب و سنن ورزش پهلوانی ایرانیان و ورزش زورخانه‌ای قرار گرفت. بسیاری از پهلوانان و کشتی‌گیران، با قرار گرفتن در جمع عیاران، کسوت عیاری را پیشه خود می‌ساختند و در طریق مبارزه با دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) می‌زیستند.

زورخانه به مثابه عبادت‌خانه

زورخانه، مکانی برای تجمع عیاران بوده است (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص ۲۱). اصطلاح «زورخانه» در متون ایرانی پیش از اسلام وجود ندارد، اما از چنین مکانی، با عنوان «لنگرگاه» و «پاتوق»، سخن به میان آمده است (صدیق، ۱۳۵۳، ص ۵۵). همچنین گفته‌اند که این مکان از زمان حمله اعراب تا زمان حکومت صفویان، به ترتیب با نام‌های «خانه»، «لنگرگاه»، «عبادت‌خانه» و «ورزش‌خانه» خوانده می‌شده است (انصاف‌پور، همان، ص ۳۴). از آنجا که کلمه زور، قرین با مفهوم اصلی‌ترین ورزش ایرانیان یعنی کشتی است، به تدریج زورخانه به جای ورزش‌خانه قرار گرفته و بر سر زبان‌ها افتاده است.

خانه زورخانه ما هست علی‌رغم فلک	سرزمینی که بود پاک‌تر از چشم ملک
خانه زورخانه ما جای هوسناکان نیست	جای پاکان بود این منزل ناپاکان نیست
زورخانه است دلا چند گهی ماوا کن	به خرابات و مناجات رهی پیدا کن ^۱

این مکان در سیر تحولات تاریخی خود، به محلی برای فراگیری و تمرین فنون پهلوانی تبدیل شده است. می‌گویند نخستین کسی که طرح ساختمان زورخانه را ریخت، پوریای ولی بود (صدیق، ۱۳۵۳، ص ۵۸). پوریای ولی که در نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری می‌زیسته است، پهلوان، شاعر و عارف بوده و دمی گرم و گیرا داشته است. در یادکرد مقام این پهلوان، سروده‌هایی چند رایج است که همچنان توسط مرشدان زورخانه‌ها به آواز خوانده می‌شود:

با لب زمزمه‌آرا چه خفی و چه جلی	جرگه را گرم بکن از دم پوریای ولی
پوریای ولی گفت که صیدم به کمند است	از همت داوود نبی بخت بلند است
افتادگی آموز اگر طالب فیضی	هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

مؤلفه‌های گوناگونی بر وجه عبادی مکان زورخانه و تذکر بر تواضع در برابر معبود اشاره دارند، برای نمونه، بنای زورخانه معماری خاصی دارد. «زورخانه بیشتر در کوچه پس کوچه‌های شهر ساخته شده است. بام آن به شکل گنبد و کف آن، گودتر از کف کوچه است. در آن کوتاه و یک لختی است و هرکه بخواهد از آن بگذرد و داخل زورخانه بشود، باید خم شود» (صدیق و کیا، ۱۳۴۳، ص ۶).

سردم زورخانه یکی از مهم‌ترین قسمت‌های این مکان است که نقش مهمی در هدایت آیینی دارد که در گود زورخانه به انجام می‌رسد. «سردم، محل استقرار مرشد است که با ضرب تنبک خود، نقش رهبری ورزش‌ها را بر عهده دارد. در جلوی سردم، زنگی آویخته شده که جابه‌جا و برای

۱. مثنوی گل کشتی میرنجات اصفهانی، مشتمل بر ۲۶۸ بیت، فرهنگی از اصطلاحات پهلوانی و فهرستی از اسامی فنون کشتی‌گیری است. ر.ک: عباسی، تاریخ کشتی ایران.

مقاصد مختلفی از سوی مرشد به صدا در می‌آید... به نظر می‌رسد این جایگاه مکانی، برگرفته از آدابی است که معطوف به آیین فتوت و جوانمردی است. به نحوی که روایت شده است، سردم در قدیم در غرفهٔ تکیه‌ها یا قهوه‌خانه‌های بزرگ بسته می‌شد و به آن هفده سلسله می‌گفتند. بدین‌گونه که هفده ابزار کار هفده پیشهٔ وابسته به فقر به شکل باشکوهی بر دیوارها می‌آویختند که مربوط به حِرَفِ شترداری، آهنگری، بنایی، کفاشی، حلاجی، گل‌کشی، نجاری، سلمانی، قصابی، نعل‌بندی، خبازی، سنگ‌تراشی و... بود. وقتی کهنه‌سوار یا استاد وارد سردم می‌شد، سخنوران جلوی پیش برمی‌خاستند، وقتی استاد زنگ را می‌نواخت، سخنوری در اثبات پیدایش سردم، شعری در بحر طویل می‌خواند (صدیق، ۱۳۵۳، ص ۵۶).

گود زورخانه مرکزی‌ترین قسمت آن به‌شمار می‌رود. گودالی هشت ضلعی و یا شش ضلعی در میان زورخانه که گود محل اصلی اجرای حرکات ورزشی است. این محل، گود و فروتر از سطح زمین انتخاب می‌شده است تا ورزشکار به هنگام ورزش، به نسبت دیگران در محلی پایین‌تر قرار گیرد و در خود احساس کبر و نخوت و غرور نکند.

هشت وجهی بودن گود، برگرفته از نقش ستارهٔ هشت‌پر به نشانهٔ شمسه یا خورشید دانسته می‌شود که متأثر از باور ایرانیان باستان به خورشید یا مهر، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر ستایش شده در طبیعت و منشأ حیات انسان است. همچنین گفته‌اند که گود در تاریخ پس از اسلام، اشاره و کنایه‌ای از گودال قتلگاه امام حسین (علیه‌السلام) در صحرای کربلا است و پهلوانی که در آن قرار می‌گیرد، همواره خود را در مصاف حق و باطل می‌بیند و برای آن مهیا و آمادهٔ جهاد می‌شود. شش گوشه بودن گود نیز، الهام گرفته از قبر شش گوشهٔ سیدالشهدا (علیه‌السلام) تلقی می‌شود.

مرشد عامل انسانی مهمی که بر کارکرد تربیتی و ارشادی زورخانه تمرکز دارد، مرشد به‌عنوان نفر نخست در زورخانه است. مرشد، آوازی خوش دارد، به هنگام اجرای حرکات ورزشی درون سردم نشسته، ضرب می‌گیرد و با خواندن آهنگ‌های گوناگون و شعرهای رزمی که بیشتر از شاهنامه فردوسی برگزیده می‌شود، حرکات ورزشکاران را هماهنگ می‌کند. در گذشته، کهنه‌سواران یا مرشدان از چابک‌ترین و آزموده‌ترین پهلوانان و ورزشکاران بودند.

جایگاه پس از مرشد، متعلق به پیشکسوت است که باید سالمندتر و کارآزموده‌تر از ورزشکاران دیگر باشد. نفر بعد در این سلسله، میاندار است. او در گود، روبه‌روی مرشد و میان ورزشکاران دیگر می‌ایستد و گردانندهٔ ورزش است و دیگران از او پیروی می‌کنند. پهلوان در جایگاه پس از اوست که بسیار آزموده و چابک است و هم‌اوردی ندارد. پس از ایشان نیز دو گروه قرار می‌گیرند: نوخاسته‌ها و نوچه‌ها. نوخاسته، جوانی است که تا حدودی تعلیم یافته و نوچه، جوانی است که شاگرد یک پهلوان است و فنون کشتی را می‌آموزد.

آداب معنوی در ورزش زورخانه‌ای

اجتماعاتی که اعضای زورخانه‌ها را تشکیل می‌دادند، «مردم زحمت‌کش مزدبگیر، ناطورها، سقاها، حمال‌ها، هیزم‌شکن‌ها، سله‌کش‌ها، قاطرچی‌ها، شاطرها، ناوه‌کش‌ها، پيله‌ورها (فروشنندگان کم‌مایه دوره‌گرد)» (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص ۱۰۱) بودند که درآمد چندانی نداشتند یا عارفان و اندیشمندانی بودند که رهبر معنوی این صنوف محسوب می‌شدند. این افراد با تأسی به آیین جوانمردان از مهم‌ترین افرادی بودند که به زورخانه می‌رفتند و به آیین و آداب آن علاقه‌مند بودند. انگیزه ایشان غالباً تنفر از ظالمان و آرزوی تحقق عدالت در میان مردم بوده است. این آرزو در اقتدا به مولای متقیان، حضرت علی (علیه السلام)، جلوه‌گر می‌شد که مظهر قدرت، عدالت و جوانمردی بوده است. آداب و سنت‌های جوانمردانه در زورخانه، که به پیروی از منش و روش زندگی پهلوانان و جوانمردان شکل گرفته، مروج همان صفات در میان ورزشکاران و تماشاگران حاضر در زورخانه است. این سنت‌ها از یک‌سو، توسط آداب و رفتارهای اعضای این محفل نمود می‌یابد و از سوی دیگر، در بطن معماری زورخانه نهفته است. برای نمونه، در تأسی به دوازده امام شیعه و ابراز ارادت به آنها، عدد دوازده در معماری زورخانه، مد نظر معماران قرار می‌گرفته است. به نحوی که «طول و عرض زورخانه‌ها را دوازده متر در دوازده متر طراحی می‌کردند و محرابی رو به قبله از سنگ مرمر می‌ساختند که به طول چهار زرع و عرض سه زرع بود که حاصل ضرب آن دوازده است» (حیدری و دولت‌شاه، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

ادب ورود به زورخانه و استقرار در آن

در زورخانه کوتاه گرفته می‌شود و گاه زنجیرهایی هلالی بر جلوی آن نیز آویخته است که واردشوندگان را به سنت تعظیم در برابر خوبی‌ها و فضایل و تذکر به افتادگی و تواضع فرا می‌خواند. همه کسانی که وارد زورخانه می‌شوند، باید سرخم کنند. «می‌گویند در زورخانه را از این‌رو کوتاه می‌گیرند که ورزشکاران و کسانی که برای تماشا به آنجا می‌روند، به احترام ورزش و ورزشکاران و آن مکان خم شوند» (صدیق، ۱۳۴۳، ص ۷). ابتدای ورود، به جای آوردن این ادب به واسطه کوتاهی در ورود محقق می‌شود. در زمان ورود نیز، چنانچه چند نفر هم‌زمان وارد زورخانه شوند، همیشه حق تقدم با پیشکسوتان و سالمندان است که با سنت تعارف برای اول وارد شدن ایشان، رعایت می‌شود.

جایگاه افراد نیز تابعی از سنت احترام به بزرگان و پیشکسوتان است. مرشد در ارتفاعی بالاتر از دیگران قرار دارد. میاندار در میان گود و روبه‌روی مرشد قرار می‌گیرد. سپس سالمندترین فرد از میان ورزشکاران در پای سردم قرار می‌گیرد؛ البته حرمت سادات چنان حفظ می‌شود که اگر سیدی در جمع باشد هرچند نه چندان پخته، در جای او می‌ایستد. نواخته‌ها پشت سر میاندار

قرار می‌گیرند و دیگر ورزشکاران یا نوچه‌ها، به تناسب مهارت، از بزرگ به کوچک دورادور میاندار می‌ایستند و ورزش می‌کنند.

این آداب همه دال بر توجه و تذکر به حقیقت معنوی ورزش‌های زورخانه‌ای و نیز کشتی است که در فتوت‌نامه‌ها به آن اشاره شده است: «اگر پرسند که معنی کشتی چیست؟ بگوی آنکه آدمی تبدیل اخلاق کند و حقیقت این سخن آن است که پیوسته میان صفات حمیده و اخلاق ذمیمه، کُشتی است؛ یعنی هریک می‌خواهند که ضد خود را دفع کنند؛ بلکه چون به حقیقت بنگری توحید و شرک، و کرم و بخل، و تقوا و فسق، و یقین و شک، و صلاح و فساد، و حُسن و قبح، و تواضع و تکبر، و حب و بغض، و حیا و وقاحت، و حضور و غفلت، و رحمت و قساوت، و حکمت و ملامت و مانند این، همیشه در کُشتی است که مدد صفات پسندیده باشد تا به قوت ریاضت خوی‌های بد را زیر کند» (واعظ کاشفی، همان، ص ۴۴۵). به این ترتیب، تعبیر از باطن کشتی، جدال خیر و شر در نفس آدمی است که همچون دیگر امور روحانی، پرداختن به آن، مستلزم رعایت آدابی است که در یک آیین جلوه می‌کند. آدابی که از اجزای موجود در ورزش پهلوانی تا برگزاری آیین‌های مرتبط با آن جلوه‌گر است. چنان‌که در فتوت‌نامه‌های موجود در خصوص ورزش‌های پهلوانی از جمله کُشتی به تفصیل بیان شده، برای تعامل میان استاد و شاگرد و حتی در اجزایی چون پوشیدن لباس کشتی یا در آوردن آن، مهره بستن و یا بغرا پختن، سنگ گرفتن و... آدابی وجود دارد. برای نمونه، توصیه بر آن است که هنگام پوشیدن شلوار کشتی، ورزشکار باید بنشیند و نخست پای راست در جامه کند و با طهارت باشد. همچنین پس از بیرون آوردن جامه که آن هم آداب خاص خود را دارد، لباس را در جای پاک و مطهری قرار دهد.

پس از عبور از راهروی زورخانه و زمانی که واردشوندگان به محوطه اصلی می‌رسند، مرشد ورود آنان را متناسب با مرتبه‌شان با رعایت آدابی اعلام می‌کند. مرشد برای ورود افراد غیرورزشکار یا تازه‌کاران می‌گوید: «خوش آمدی»، اگر فرد ورزشکار ماهری باشد، پس از خوشامدگویی از حضار می‌خواهد که «صلوات» بفرستند. برای ورود پیشکسوتان خوشامد می‌گوید و می‌افزاید: «صفای قدمت» و پس از درخواست ذکر صلوات، برای او «ضرب» هم می‌گیرد. او در ورود پهلوانان، افزون بر رعایت آداب ورود پیشکسوت، «زنگ» را هم به صدا درمی‌آورد. بر بالای زنگی که در برابر مرشد آویخته شده، پَرهای تزیینی بلندی از قو قرار داده می‌شود که یادآور سنت تزیین کلاه‌خود پهلوانان و رزم‌آوران ایران باستان با این پَر است.

محل قرارگیری مرشد در نزدیکی در ورودی، سردم نام دارد. سردم، محل محترم و متبرکی است که نباید جز مرشد، کسی در آن قرار گیرد. هر زمان مرشد به دلیلی طلب صلوات می‌کند، همه حضار صلوات می‌فرستند و وقتی ملعونی لعن می‌شود، حاضران می‌گویند: «بی‌شمار».

هریک از واردشوندگان، پس از ورود در جایگاهی قرار می‌گیرند. بلند مرتبه‌ترین آنها، در بلندترین جایی که دور گود قرار دارد می‌نشیند که در گذشته کنار سردم انتخاب می‌شده و بعدها در برابر آن قرار گرفته است. این آداب همه دال بر توجه و تذکر به حقیقت معنوی ورزش‌های زورخانه‌ای و نیز کشتی است. هنگامی که فردی قصد می‌کند به میان گود برود، از بزرگ‌ترها «رخصت» می‌خواهد. همه افراد باید از محل رو به سردم که پایین‌ترین مرتبه به‌شمار می‌رود، وارد گود شوند. پس از ورود به گود نیز کسی بدون اجازه میاندار، حق خروج ندارد.

رسم «قدم‌بوسی» یا «خاک‌بوسی»، در زمان ورود به گود انجام می‌شود به این ترتیب که ورزشکار خم می‌شود، انگشتان دست راست را بر زمین گود می‌زند و آن را بر لبان خود به نشانه بوسه قرار می‌دهد. این رسم، نشانه به‌جای آوردن ادب به ساحت زورخانه است که در گذشته‌های دورتر، به صورت سجده بر کف زورخانه انجام می‌شده است.

در زمان بلند کردن «میل»، کوچک‌ترها باید منتظر بمانند تا بزرگ‌ترها میل‌ها را بردارند و نوبت به آنها برسد. در مقابل، «چرخ زدن» و «کباده کشیدن»، از کوچک‌ترین فرد حاضر شروع شده، به پیشکسوت و سادات ختم می‌شود. در زمان اجرای این حرکات، مرشد ضمن ضرب گرفتن، حرکات پهلوان یا پیشکسوت را از یک به بالا می‌شمارد که این نوعی ادای احترام است. پس از کباده‌کشی نیز نباید کباده را بر زمین گذاشت، بلکه باید آن را به بزرگ‌ترها تحویل داد.

در زمان ورزش، محل «مرکز گود» متعلق به «میاندار» است که رو به مرشد می‌ایستد. میاندار پیش از ایستادن در مرکز گود از بزرگان یا مرشد و یا حضار «رخصت» می‌طلبد و به یک‌یک بزرگان حاضر برای میانداری تعارف می‌کند.

مکان روبه‌روی او، زیر سردم نیز محل ایستادن «سادات» و در غیر این صورت، ورزشکاران باسابقه است.

طهارت و پوشش در زورخانه

همه کسانی که وارد زورخانه و به‌ویژه گود می‌شوند، باید پاک و با وضو باشند. همچنین ورزشکاران از پوشیدن لباس زشت یا ناپسند منع شده‌اند. لباس آنها، زیرشلوار با لنگی بر کمر است. فرد باید بدون کفش وارد گود شود و پوشیدن شلوار کشتی یا بستن لنگ الزامی است. ورزشکار تازه‌کار یا حتی پیشکسوتی که بی‌ادعا باشد، هنگام ورود به گود میانه «لنگی» را که به کمر بسته، بالا می‌کشد و در کمر محکم می‌کند.

ذکر در آداب زورخانه‌ای

برای اجرای هر یک از حرکات زورخانه‌ای، آدابی رعایت می‌شود که با برخی اذکار همراه است. سنت بر آن است که هر ورزشکار پیش از رفتن به میان گود، سنگ می‌گیرد. ورزش «سنگ گرفتن»، که به پشت خوابیدن و در دست نگاه‌داشتن دو تخته سنگ (یا چوب) و غلتیدن است؛ یکی از حرکات مهم در ورزش پهلوانی است که آن را به بالای سر بردن در خیبر توسط حضرت علی (علیه السلام) نسبت می‌دهند و اشارات معنوی در اجرای آن بارز است. نخست مرشد به «سرنوازی» و خواندن اشعاری برای آغاز سنگ گرفتن پرداخته و می‌گوید:

هر کار که می‌کنی بگو بسم الله
تا جمله گناهان تو بخشد الله
دستت که رسد به حلقه سنگ بگو
لا حول و لا قوة الا بالله

سپس به شمارش دفعات بالا بردن سنگ‌ها می‌پردازد که بالاترین عدد آن، ۱۱۷ بار به نشانه عدد ۱۱۷ تن کمر بسته حضرت علی (علیه السلام) و یا ۱۱۴ بار به نشانه عدد سوره‌های قرآن است. تعداد شمارش نیز نباید از عدد ۱۱۷ تجاوز کند و اگر ورزشکاری بخواهد بالا بردن سنگ را بیش از آن ادامه دهد، شمارش مجدداً از عدد یک آغاز می‌شود. «در شمارش اعداد نیز کلماتی در ستایش خدا و نعت رسول و درود بر پیامبران و اولیا از سوی مرشد خوانده می‌شود. از جمله به جای عدد پنج، پنجه خیرگشای علی، به جای عدد شش، شش گوشه قبر حسین (علیه السلام)، به جای عدد هفت، امام هفتم محبوب ملک بغداد، به جای عدد هشت، قبله هشتم یا امام رضا (علیه السلام)، به جای عدد ده، کرم از علی ولی الله، به جای عدد یازده، علی و یازده فرزند برحقش، به جای عدد دوازده، جمال قائم صلوات، به جای چهارده، چهارده معصوم پاک، به جای عدد هفده، هفده کمر بسته مولا را نام می‌برند» (حیدری و دولت‌شاه، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

پیش از شروع ورزش جمعی یا پس از خاتمه یافتن آن، ورزشکاری که می‌خواهد به تنهایی ورزش کند، باید از یک بزرگ‌تر یا مرشد، «رخصت» بگیرد. چنانچه او در جواب بگوید: «حق بدهد فرصت»، یا «فرصت»، ورزشکار مجاز خواهد بود. تشویق ورزشکاران در زمان چرخ زدن یا میل گرفتن نیز بر عهده مرشد است، البته بزرگ‌ترین پیشکسوت حاضر یا میاندار نیز این حق را دارد. در زورخانه‌ها، تشویق ورزشکاران از جانب حاضران، تنها به وسیله فرستادن صلوات انجام می‌شود و کسی دست نمی‌زند.

برای شروع و خاتمه کشتی نیز آدابی وجود دارد. پس از پایان یافتن ورزش، پهلوانان و کشتی‌گیران به میان گود می‌روند و دو به دو با هم کشتی می‌گیرند. برای شروع لازم است تا کشتی‌گیران به پیروی از عیاران و شاطران، برهنه وارد گود شوند. دو کشتی‌گیر نخست سر شاخ

می‌شوند، آنگاه مرشد لنگی به میان هر دو کشتی گیر پرتاب می‌کند تا منتظر بمانند که شعر گُل کشتی خوانده شود. در این باب مرشد می‌خواند:

در معرکه‌ها درنگ می‌باید کرد خون بر جگر نهنگ می‌باید کرد
پوشند یلان زره به پیکار اینجاست جایی که برهنه جنگ می‌باید کرد

کشتی‌گیران در کنار هم به پهلو، رو به قبله خم می‌شوند و یک دست را بر گردن یکدیگر و دست دیگر را بر روی زانو می‌گذارند و مرشد یا ورزشکاری خوش صدا اشعاری را می‌خواند (صدیق، ۱۳۴۳، ص ۱۳).

دو کشتی‌گیر پس از آنکه مرشد یا خواننده می‌گوید: خدا را سجود، پیران را عزت، جوانان را قدرت، «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، کف گود را می‌بوسند و کشتی را آغاز می‌کنند.

گاهی که یکی از دو کشتی‌گیر قادر می‌شده تا حریف را به بالای سر ببرد، «بانگ خلیل‌اللهی» سر می‌داده که همان بانگ الله‌اکبر است. این کار از آن‌روست که معروف است حضرت ابراهیم (علیه السلام) در هر نشست و برخاستن، الله‌اکبر می‌گفته است.

دعاگویی در زورخانه

پایان ورزش نیز توسط میاندار و با کسب اجازه از بزرگ‌ترها اعلام می‌شود. پس از پایان ورزش، مرشد می‌گوید: اول و آخر مردان عالم به خیر. به زنگ می‌زند و تنبک را کنار می‌گذارد و می‌نشیند. ورزشکاران به لب گود تکیه می‌زنند. دعای پایان ورزش نیز توسط پیشکسوت یا میاندار خوانده می‌شود. این دعا در موارد مختلف، گوناگون است اما کلیاتی در آن وجود دارد که توسط دعاکننده گفته شده و با پاسخ آمین حضار، همراه می‌شود.

عبارات کلی شامل: «پیران را عزّت، جوانان را قدرت، حق پیر، مزد استاد، برایش ذوالفقار، تندرستی حضار، نیستی جان کفار، سلامتی اسلام، ناز قد میاندار» است (انصاف‌پور، ۱۳۵۳، ص ۲۳۹). این عبارات با ادبیات گوناگونی ادا می‌شود از جمله: «پروردگارا شرّ شیطان و بلاهای ناگهانی، نفس اماره آخر الزّمان را از بلاد اسلام دور بگردان. خداوندا بانیان ورزش را که مرده‌اند و رفته‌اند، رحمت بفرما. در دنیا و آخرت زبان ما را به ذکر لا اله الا الله گویا بفرما. پروردگارا تو را قَسَم می‌دهم به حَقِّ مقربان درگاهت در دنیا ما را از زیارت ائمه اطهار و در آخرت از شفاعت اباعبدالله بی‌بهره منما... در دنیا و آخرت ما را روسفید و نام نیک بگردان. یک صلوات ختم کنید. حضار صلوات می‌فرستند و دعا پایان می‌پذیرد» (صدیق، ۱۳۴۳، ص ۱۳).

آیین گلریزان

هر زورخانه در طول سال، یک یا دوبار آیینی به نام «گلریزان» برپا می‌کرده است. این آیین، بعدها اهدافی به جز بزرگداشت پهلوانان را دنبال کرد که در نهایت به جمع‌آوری کمک برای انجام دادن امری خیر منتهی می‌شد. برای نمونه، کمک به خانواده ورزشکارانی که درآمد کافی برای گذران زندگی خود نداشتند یا گرفتار بودند؛ همچنین ورزشکاران و ورزشکارانی که درآمد کافی برای گذران زندگی خود نداشتند یا گرفتاری‌هایی زندگی آنان را آشفته کرده برگزار می‌شده و پولی را که از این راه گرد می‌آمده به ورزشکار یا خانواده او می‌داده‌اند» (همان).

در این مراسم که با برگزاری کشتی همراه بود، از پهلوانان و ورزشکاران قدیمی و باسابقه و بزرگان و سرشناسان برای حضور در زورخانه دعوت می‌شد. زمان برپایی گلریزان، بیشتر در شب‌های ماه رمضان، یا صبح روز جمعه بود. در این مراسم، تنها افراد مدعو اجازه ورود به زورخانه داشتند که از میان متمکنان و تاجرانی انتخاب می‌شدند که اهل ورزش‌های زورخانه‌ای بودند. کوچه زورخانه، آب و جارو و سراسر چراغانی می‌شد و برای پذیرایی نیز شیرینی و میوه آماده می‌کردند. در پایان این آیین، به تناسب تعداد دعوت‌شدگان، یک، دو یا سه نفر از میان پهلوانان و پیشکسوتان به خواندن دعاهایی مشخص اقدام می‌کردند و حاضران در پایان هر دعا، کمک خود را تقدیم گود می‌نمودند. این دعاها با چنین شعری توسط پهلوانی که میان گود می‌آمده، آغاز می‌شده است:

یا الله العالمین در باز کن یا رسول هاشمی پرواز کن
مشکلی بر کار من افتاده است بادو انگشت مبارک باز کن

پهلوان سپس گفتگویی را با مرشد آغاز و او را خطاب می‌کند: «جناب مرشد» و مرشد می‌گوید: «ای والله». سپس دعا را آغاز می‌کند که هر بار با استقبال آمین حضار مواجه می‌شود. فرد دعاگو در ضمن دعا، نام دوازده امام را یکایک می‌برد و با بیان مصائب و مناقب مربوط به هر یک از ایشان، بابت کمکی که هر فرد می‌کند، برایش دعای خیر بر زبان جاری می‌سازد.

پولی که افراد مدعو در خاتمه هر دعا به نام مقدس یکی از امامان می‌پردازند، «پول چراغ»^۱ نام دارد که به تدریج و در ضمن انجام دعا، از «چراغ اول» تا «چراغ دوازدهم» جمع می‌شود. پس از بیان نام دوازده امام (علیهم‌السلام)، دعاکننده سه پول دیگر نیز از مدعوین طلب می‌کند که به نام‌های «چراغ اول و آخر»، «چراغ الله» و «چراغ ختم دعا» نام‌گذاری شده‌اند. چراغ اول و آخر: «آقایی ما را بطلبد

۱. این اصطلاح از آنجاست که ظرف برنجی -دخل- که در سردم قرار دارد و ورزشکاران در زمان خروج پولی به‌عنوان حق‌الزحمة مرشد و نگاه‌دارندگان زورخانه را در آن می‌گذارند، «چراغ» نام دارد.

خدمت خودش، چراغ اول ما و آخر بدهد، اولش با علی (علیه السلام) باشد، آخرش با قائم آل محمد (علیه السلام). چراغ الله: «آقایی ما را بطلب خدمت خودش، چراغ چراغ الله کرم کند، الله، الله از خانه‌اش بلند شود. بانگ شیون مرگ از خانه‌اش بلند نشود». چراغ ختم: «آقایی ما را بطلب خدمت خودش، چراغ، چراغ ختم بدهند». در خاتمه دعاها، فردی که از میان دعاگویان بلندمرتبه‌تر است، پول‌هایی را که در میانه گود گذاشته شده، در میان لنگی قرار می‌دهد به دست صاحب گلریزان می‌دهد.

آثار تربیت فردی و اجتماعی در آیین زورخانه

آموزه‌های تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه‌ای را می‌توان در یکایک مراتب آن باز جست. اساس ساختار این آیین، بر پرورش روح دلاوری و مردانگی و آزادگی و جنگاوری در میان ورزشکاران استوار است که خود، متأثر از آموزه‌های الهی پیشوایان اسلامی است.

آموزه‌های تربیتی زورخانه‌ها، که با تأسی از منش و روش زندگی پهلوانان و جوانمردان شکل گرفته، نه فقط بر ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ورزشکاران تأثیرگذار است، بلکه به ترویج و گسترش همان صفات در میان تماشاگران حاضر در زورخانه نیز منجر شده و به تدریج وارد فضای جامعه پیرامون می‌گردد. این آموزه‌های تربیتی از یکسو، در آداب و رفتارهای اعضای این مکان نمود می‌یابد و از دیگرسو، در بطن معماری مکان زورخانه نهفته است.

الف) آموزه‌های تربیتی در آداب زورخانه‌ای

۱. ذکر خداوند، استعانت از او و اولیای او: در همه مراحل حضور در زورخانه و یا حرکت‌های ورزشی، یادکرد خداوند و اولیای او ساری و جاری است. برای نمونه، در یکی از مهم‌ترین آیین‌ها، استاد در اعطای درجه به شاگرد اذکاری این‌چنین دارد: «یادکرد دوازده امام، ذکر استغفار، ذکر کلمه شهادت، ذکر توبه از گناهان کبیره، ذکر فاتحه، ذکر تکبیر، ذکر صلوات». ذکر تکبیر به خصوص زمانی که کشتی‌گیر بر حریف پیروز می‌شد و وی را به بالای سر خود می‌برد، سنت بود و بر این باور اشاره دارد که حضرت ابراهیم (علیه السلام) در هر نشستن و برخاستن، الله اکبر می‌گفته است. در پایان حرکات ورزشی نیز با نیایشی به درگاه خداوند، دعای پایانی توسط پیشکسوت یا میاندار خوانده می‌شود که با پاسخ آمین حضار، همراه است و شامل دعاهایی چون: «طلب عزت برای پیران، قدرت برای جوانان، ادای حق پیر، ادای مزد استاد، تندرستی برای حضار، نابودی کفار و سلامتی اسلام» است.

همچنین اذکاری در تأکید بر حقانیت امام اول شیعیان، حضرت علی (علیه السلام)، و فرستادن درود و

سلام بر ایشان و سلاله‌شان در کنار لعن و نفرین دشمنان ایشان، در گرامی‌داشت اولیای الهی، جزء جدایی‌ناپذیر آیین‌های زورخانه بوده است.

۲. تذکر بر تقابل خیر و شر و سفارش به نیکی و پرهیز از بدی: سفارش به نیکی و برحذر داشتن از بدی، از آموزه‌های آیین زورخانه‌ای است. اصولی که استادان به ورزشکاران می‌آموزند، همگی ناظر به امری تربیتی و امر به معروف و نهی از منکر استوار است و در تک‌تک آداب زورخانه‌ای آشکار است. برای نمونه و به‌طور مشخص، زمانی که استاد به شاگرد درجه‌ای را اعطا می‌کند، این توصیه‌ها را بر او بیان و بدان‌ها سفارش می‌کند: «در نماز کاهلی نکردن، بخل و کبر و حسد و بدی بر دیگران روا نداشتن، در امانت خیانت نکردن، رعایت انصاف، بخشنده بودن، رعایت احترام دیگران».

۳. ترویج حسن رفتار فردی و اجتماعی: آموزه‌های تربیتی در زورخانه‌ها، متضمن روش و منش پسندیده افراد در روابط فردی و اجتماعی آنان است. منش پسندیده ورزشکاران زورخانه‌ای بر این توصیه‌ها استوار است: «پاکی و طهارت، سحرخیزی و پاک‌نظری، شب‌زنده‌داری و حسن اخلاق». براساس این آموزه‌ها، سحرخیزی صفت همراه افراد در زورخانه بوده و ورزشکاران، سحرگاهان به زورخانه رفته و پیش از نماز صبح از آن خارج شده و نماز اول وقت را به جا می‌آورند. تمام آنچه در متون مکتوب به‌عنوان سرمشق تربیتی ورزشکاران زورخانه‌ای است را می‌توان دارای مؤلفه‌های اخلاقی برای رسیدن به حسن رفتار فردی و اجتماعی در ایشان دانست. پیران این آیین، ورزشکاران را به این صفات توصیه می‌نمودند: «راستگویی، راست کرداری، صبوری، خوش‌قولی، پاک‌دلی و عفت، رحم بر ضعفا، رجحان سود دیگری بر سود خود و در مقابل زیان خود بر زیان دیگری، یابوری ستمدیدگان، دفاع از مظلومان، دوری از ریا و رعایت انصاف».

۴. تذکر بر رعایت ادب و احترام بزرگان: لزوم رعایت احترام بزرگان در همه مراحل حضور افراد در مکان زورخانه آشکار است. در ورود هم‌زمان افراد به زورخانه، حق تقدم همواره با پیشکسوتان و سالمندان است. جایگاه حضور افراد در داخل زورخانه نیز، تابعی از سنت احترام به بزرگان و پیشکسوتان است. چنان‌که مرشد، به‌عنوان پیر و راهنمای جمع، در ارتفاعی بالاتر از دیگران قرار دارد. سالمندترین فرد از میان ورزشکاران در پای سردم قرار می‌گیرد که مکانی مهم است و البته اگر سیدی در جمع باشد، هرچند پیشکسوت نباشد، در جای او می‌ایستد. تازه‌ورزشکاران، پشت سر میاندار در میانه گود قرار می‌گیرند و دیگران، به تناسب مهارت، از بزرگ به کوچک دورادور میاندار می‌ایستند. در زمان اجرای حرکات ورزشی در زورخانه نیز، مراتب بزرگی و کوچکی افراد کاملاً مد نظر قرار می‌گیرد. احترام به بزرگان در اعمال افراد کاملاً رعایت می‌شود. هنگامی که ورزشکاری قصد ورود به میان گود را دارد، از بزرگ‌ترهای حاضر اجازه می‌گیرد و برای خروج از گود نیز، از میاندار اجازه می‌گیرد.

ب) آموزه‌های تربیتی در مکان زورخانه

پیوستگی تربیت اخلاقی و رفتاری با آیین زورخانه به حدی است که نشانه‌های آن را در معماری این مکان نیز مشاهده می‌شود. انتخاب محل اصلی ورزش‌های پهلوانی، در محلی گود و فروتر از سطح زمین به منظور تذکر ورزشکار به تواضع و پرهیز دادن وی از گرفتار شدن به احساس کبر و غرور است. ورزشکار باید بدون کفش وارد گود شود که هم نشان توجه به پاکیزگی مکان است و هم نشان تواضع و کوچکی. همچنین در زورخانه، کوتاه‌تر از درهای ورودی اماکن دیگر است که با افزودن زنجیرهایی آویخته، کوتاه‌تر نیز می‌شود. این تمهید از آن‌رو است که واردشوندگان را به سنت سر فرود آوردن در برابر خوبی‌ها و فضایل و تذکر به افتادگی و تواضع یادآوری کند. همچنین ورزشکار هنگام ورود به گود، «قدم‌بوسی» یا «خاک‌بوسی» می‌کند که نشانه به جای آوری مراتب ادب، به ساحت زورخانه است.

ج) سنت‌های تربیتی نوع‌دوستانه

اساس آیین زورخانه‌ای در فرایند تربیت جسم و روح فرد، بر اصل انسان‌دوستی و کمک به دیگران استوار شده است، اما در این میان برخی سنت‌ها همچون آیین «گلریزان»، به وضوح بر رفتار نوع‌دوستانه تصریح می‌کند. آیین گلریزان در هر زورخانه به قصد جمع‌آوری کمک برای انجام دادن امور خیر انجام می‌شده است. کمک به خانواده ورزشکاران کم‌بضاعت، ورشکستگان ورزشکار، پیشکسوتان از کارافتاده و یا کمک به هر نیازمند دیگری می‌توانست دلیل برگزاری آیین گلریزان باشد. زمان برپایی مراسم گلریزان، نیز با اشاره به معنویت این آیین که مبتنی بر دست‌گیری محترمانه از ضعفا و درماندگان آبرومند بود، در شب‌های ماه رمضان، یا صبح روز جمعه انتخاب می‌شده تا برکت ایام نیز قرین آن باشد.

نتیجه‌گیری

ورزش‌های زورخانه‌ای، نمونه تمام‌عیاری از ارتباطات آیینی هستند؛ آیین، تنها شکل یا فرایندی از تفکر نیست، بلکه شکلی از کنش و اجرا به شمار می‌آید. ورزش‌های زورخانه‌ای نیز از این ویژگی برخوردارند؛ زیرا ورزشکاران باستانی کار با بدنشان، حرکات باستانی را اجرا می‌کنند. همچنین ورزشکاران زورخانه‌ای با اراده و خواست خود و با آگاهی و شناخت از ماهیت زورخانه و آداب آن و به صورت داوطلبانه به حرکات باستانی می‌پردازند. حرکات زورخانه، حتی آنهایی که یک فرد انجام می‌دهد در حضور جمع است و در واقع، به صورت جمعی، اجرا می‌شود.

شأن همه شرکت‌کنندگان در زورخانه براساس ارشد بودن، تعریف شده و روابط و رفتارهای رایج در زورخانه بر این اساس انجام می‌شود. حرکات ورزشی و تعاملات، زورخانه شرطی هستند، نه اخباری؛ یعنی درباره آن چیزی که می‌توانند، ممکن است باشند یا باید باشند، هستند؛ ورزشکاران در زورخانه، الگوهایی همچون حضرت علی (علیه السلام) و پوریای ولی دارند. بنابراین، تعاملات و رفتارهای آنها با پیروی از بزرگان و درباره آنچه می‌خواهند باشند، انجام می‌شود. زورخانه از نمادهای تربیتی تأثیرگذاری مانند حرکات باستانی در داخل گود، اذکار و آواز مرشد و... برخوردار است که بر تجربه‌های اجتماعی و روحی باستانی کاران اثر می‌گذارند.

همچنین در شکل گود و نیز دایره شکل محل اجرای حرکات باستانی زورخانه و نیز در همه تأسی‌ها و اذکار و دعاها، به امور قدسی، به‌عنوان عناصر اساسی زندگی توجه شده است و تلاش این است که این امور تربیتی در متن زندگی پهلوانان زورخانه جاری شود. همه این ویژگی‌ها باعث شده است تا زورخانه از کارکردهای فرهنگی و آیینی غنی و گسترده‌ای برخوردار باشد و آن را از یک مکان ورزشی فراتر ببرد و به مکانی تربیتی تبدیل کند.

آموزه‌های تربیتی در آیین‌های اجرایی زورخانه‌ای را می‌توان چنین دانست: استعانت از خدا و اولیای او با گفتن ذکر، تذکر بر تقابل خیر و شر و سفارش به نیکی و پرهیز از بدی، ترویج حسن رفتار فردی و اجتماعی و در آخر، تذکر بر رعایت ادب و احترام بزرگان. همچنین آموزه‌های تربیتی در مکان طراحی شده زورخانه عبارتند از: انجام ورزش در مکانی گود و نیز کوتاهی درهای ورودی به نشانه لزوم تواضع افزون، همچنین حضور با پای برهنه و نیز سنت خاک‌بوسی به مثابه تذکری بر لزوم رعایت ادب در فضایی مطهر. در عین حال، برخی آیین‌های زورخانه‌ای، کارکرد تربیتی مبتنی بر نوع دوستی را نیز دارد که در آیین گلریزان و دستگیری از ضعیفان تجلی می‌کند.

قابل توجه آنکه، پرداختن به اصول تربیتی آیین‌های زورخانه‌ای در مجاورت با اجزای هنری و زیباشناختی بی‌بدیلی همچون لباس‌های متحدالشکل، موسیقی و ریتم حرکات ورزشی و... می‌تواند به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در تقویت و توسعه تربیت فرهنگی جامعه ایران معاصر نیز مؤثر افتد.

منابع

- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳)، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن، تهران: نی.
- حیدری، علی و ناصر دولت‌شاه (۱۳۹۱)، «جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران»، پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، پاییز و زمستان، سال دوم، ش ۲۰، ص ۵۷-۷۲.
- دایرةالمعارف اسلامی طهور: <http://tahoor.com/fa/Article/View111180>
- دورکیم، امیل (۱۳۷۶)، تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱)، اوستا، ج اول، تهران: مروارید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- رودنبولر، اریک دلبلیو (۱۳۷۸)، ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمه عبدالله گیویان، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- صدیق، مصطفی؛ کیا، صادق (۱۳۴۳)، «زورخانه و ورزش باستانی»، مجله هنر و مردم، ش ۲۶، ص ۶-۱۵.
- صدیق، مصطفی (۱۳۵۳)، «گود مقدس پیدایش زورخانه»، مجله هنر و مردم، آبان، ش ۱۴۵.
- عباسی، مهدی (۱۳۷۷)، تاریخ کشتی ایران، انتشارات مجید.
- قابوس بن وشمگیر، عنصرالمعالی (۱۳۳۵)، قابوس‌نامه، مصحح امین عبدالمجید بدوی، تهران: ابن سینا.
- قرایی مقدم، امان الله (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، کتابخانه فروردین.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۹۲)، کشف الاسرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- واعظ کاشفی سبزواری، ملاحسین (۱۳۴۸)، فتوت‌نامه سلطانی، مقدمه و تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Cloudry, Nick (2003), *Media Rituals: A Critical Approach*, Routledge.
- Rappaport, Roy (1999), *Ritual and Religion in the Making of Humanity*, Cambridge University Press.

- Chwe, Michael Suk-Young (2001), *Rational Ritual: Culture, Coordination, and Common Knowledge*, Princeton University Press.
- Tambiah, Stanley Jeyaraja (1985), *A Performative Approach to Ritual, In Culture, Thought, and Social Action: An Anthropological Perspective*, pp. 66–123, Harvard University Press.